

حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن^۱

عبدالحمید نقره کار^۴

دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت

بهزاد وثیق^۵

محمد رضا بمانیان^۲

دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

مجتبی انصاری^۳

دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

کلیدواژگان: سوره الرحمن، باغ، بهشت، حکمت، عناصر منظر.

چکیده

در این مقاله، ابتدا با مطالعه پیشینه متافیزیکی عناصر باغ اسلامی مانند درخت و آب، به این عناصر پرداخته و پس از آن با مطالعه بر روی عناصر مذکور، از دیدگاه حکمت اسلامی در قرآن و نمونه‌های باغ اسلامی، سعی شده تا با نزدیک شدن به حکمت مفاهیم بهشت و با جستجو در متن قرآن و توجه ویژه به سوره الرحمن، تفاسیر مربوط به این سوره مطالعه شود. بر اساس مطالعات انجام شده در این مقاله، می‌توان دریافت که باید حکمت عناصر باغ، مانند نور و سایه، درخت و گیاهان، آب، غرفه و قصور، و مانند آن را در نظم‌بندی محکمی دانست، که براساس هندسه قدسی، و علم الهی، انسان را به سعادت رهنمون کند.

مقدمه

باغ‌های اسلامی از آغاز تا کنون عناصری مشترک طبیعی مانند درخت و آب، و محیطی آرامش‌بخش داشته که با

گذشت سالیان دراز، ارزش گذشته خود را حفظ کرده‌اند. در این میان عناصر طبیعی در توصیفی که قرآن درباره بهشت دارد نیز نقشی مؤثر دارند.

با توجه به آنکه موضع هر تمدن درباره حقایق ملکوتی از دیدگاه آن تمدن نسبت به طبیعت برداشت می‌شود،^۶ می‌توان با بررسی مفاهیمی که پیرامون این موضوع در قرآن، احادیث، و گفتار عرفای اسلامی دیده می‌شود، به چهارچوبی قابل اطمینان برای اصلاح و ارتقای طبیعت در قالب‌هایی مانند باغ و طراحی منظر دست یافت. مجموعه این منابع در کنار هم دانشی را معرفی می‌کند که از منبعی قدسی مشروب شده و آن را تحت نام حکمت اسلامی می‌شناسیم.

در حکمت چهار چیز یعنی جوهر، ماده، منشاء حرکت، و علت نهایی کنکاش می‌شود.^۸ پس با توجه به منابع اسلامی به بررسی این چهار مؤلفه در عناصر منظر می‌پردازیم.

کتاب آسمانی اسلام سرشار از تعبیر و توصیفات است که، نه تنها به مواردی از باغ‌های مردمان مختلف مانند مصریان و نیز بهشت

۱. این مقاله برگرفته شده از: بهزاد وثیق، اصول معماری خانه از دیدگاه قرآن کریم (بررسی موردی: معماری مسکونی اقلیم گرم و خشک ایران)، پایان‌نامه دوره دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

2. bemanian@modares.ac.ir,

نویسنده مسئول

3. ansari_m@modares.ac.ir

4. A_noghrekar@iust.ac.ir

۵. دانشجوی دوره دکتری معماری

دانشگاه تربیت مدرس

behzad_vasiq@yahoo.com

6. pourja_m@modares.ac.ir

۷. سیدحسین نصر، نظر متفکران

اسلامی در مورد طبیعت، ص ۱۵.

۸. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه

یونان و روم، ص ۱۷۲.

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا می‌توان با بررسی مفاهیمی که، پیرامون موضوع باغ اسلامی در قرآن، احادیث، و گفتار عرفای اسلامی دیده می‌شود، به چهارچوبی قابل اطمینان برای اصلاح و ارتقای طبیعت در قالب‌هایی مانند باغ و طراحی منظر دست یافت؟
۲. شناخت معنی آیات و تفسیر سوره الرحمن چگونه به شناسایی صورت و معنای بهشت می‌انجامد؟

شداد اشاره دارد، بلکه با توجه ویژه بر باغ کامل، از آن با تعبیر جنت، روضه رضوان، و... نام می‌برد.

سوره الرحمن با آیات متعدد خود در زمینه توصیف بهشت، یکی از مشخص‌ترین منابعی است که توجه معماران و پژوهندگان منظرسازی اسلامی طی قرون مختلف را جلب کرده است. در این مقاله سعی شده تا با بررسی این آیات به بازخوانی باغ بهشت بپردازیم که در شناسایی باغ‌سازی دوران اسلامی و نیز معنای باغ از دیدگاه قرآن امری ضروری به نظر می‌آید.

فرضیه

باغ قرآنی دارای حکمتی است که در کلیات باغ و نیز در تمامی عناصر دیده می‌شود. این حکمت و دانش الهی باغ را به بهترین وجه برای ارشاد و تذکر به بشر در طبیعت (عالم کبیر) صورت می‌دهد و انسان را در رسیدن به سعادت یاری می‌رساند.

پیشینه متافیزیکی عناصر باغ

در دوران باستان، درخت به تعبیری ترکیب آسمان و زمین و آب و در مجموع، کل عالم عین است که، حیات ساکن را در مقابل با آنچه در سنگ و موجودات جمود یافته است، متجلی می‌کند.^۹ این نکته قابل ذکر است که درخت برای بسیاری از جوامع کهن سرچشمه حکمت و دانش، نامیرایی، و تجلی آسمان است.^{۱۰} درختان، در متون اسلامی نیز، هم در قرآن و هم در احادیث رسول اکرم (ص) و امامان (ع) نقش شاخصی دارند. خداوند گاه در درختی خود را بر انسان عرضه می‌دارد و تجلی ذات او درختی است، چونان که منور شده باشد، به اطراف نور می‌افشانند^{۱۱} و نشانه جایگاه رفیع این عنصر در نظام جهان بینی اسلامی است. بنا بر این درخت نشانه عروج به آسمان و نشانه‌ای از ارتباط با دنیای فرادین دارد.

در فرهنگ اسلامی نیز باتوجه به محیط خشک عربستان و حوادث مهم تاریخ اسلام، بالأخص تاریخ شیعی، که با عنصر آب گره خورده است، می‌توان حضور برجسته آب را در ایجاد نشانه‌شناسی فرهنگ اسلامی دریافت. باتوجه به مطالب یاد شده، می‌توان به وضوح دید که، بشر همواره ارزش معنوی آب را

۹. جی. سی. کوپر، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ص ۲۱۵.
 ۱۰. جیمز هال، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ص ۱۲۴.
 ۱۱. طه: ۹-۱۵.



به خدا و یا خدایانی بلندمرتبه مربوط می‌کرده و خلقت جهان و حیات دنیوی و اخروی نیز ابتدا با آب گره می‌خورد.^{۱۲}

حکمت عناصر باغ

خانهٔ اولیه بشر باغی بهشتی است^{۱۳}، و خدا شهری را که در طراحی آن، استفاده از طبیعت دیده شده باشد، طیب می‌نامد و باغی که در ارتباط با سکونت‌گاه باشد را نعمت برمی‌شمرد^{۱۴}.

خداوند در قرآن به کرات انسان را به اندیشیدن در طبیعت و عناصر آن دعوت کرده و راه سعادت او را فهم قدسی از این عناصر و رابطهٔ آن‌ها می‌داند.^{۱۵} در باغ اسلامی عناصر و آیات خدا از آب، باد، خاک، و آتش تا آسمان، زمین، درخت، و ستارگان، که در قرآن از آن‌ها به آیات الهی یاد شده، گرد هم آمده‌اند.^{۱۶} با تفکر در این نشانه‌ها آدمی به تکامل انسانی می‌رسد و باغ با گرد هم آوردن آن در محیطی محصور به جایی مناسب برای اندیشیدن در باب عالم کبیر و عالم صغیر مبدل می‌شود. از این منظر، باغ اسلامی، در حکمت تمثیلی، به بهشت ابدی تلقی شده‌است که در قرآن سی بار از آن با توصیف «باغ‌هایی با نه‌های روان» که در زیر درخت‌های آن چهار رودخانهٔ آب و شیر و شراب پاک و عسل ناب روان است نام برده شده است.^{۱۷} باغ با طبیعت خود و تسلط عناصر تلطیف‌کننده مانند آب و

درخت و آسمان، که در روایات به این خصیصهٔ آنان اشاره شده است، انسان را از تاجر دنیوی رها و او را به نهاد و فطرت خود نزدیک می‌کند، چونان که، گویی ورود و گردش با دیدهٔ بصیرت در باغ سلوک عارفانه‌ای است که، با هر قدم انسان از صافی معنوی می‌گذرد و در انتها، با رسیدن به مقام کمال، جامهٔ دنیا از تن می‌کند، و آنچه در باغ ساختهٔ انسان، دیده می‌شود، نشانهٔ قدرتی است که خداوند بدو داده و با نشانیدن درخت و نظارهٔ آسمان و آیینهٔ آن در آب می‌توان به قادر توجه داشت و این همه انسان عارف را از کبر به خضوع می‌رساند. نشانه بودن عناصر تنها به کالبد آنان خلاصه نمی‌شود و روابط بین درختان

و آب و خاک و گل، میان آب و آسمان و باد، تناظر و تناسب بین کوشک، حوض، محور آبی، و سردر، خود از نظم هستی و نسبت مخلوقات و خالق حکایت می‌کند. از دیدگاه عرفان اسلامی ترکیب، تناسب، تقارن، و تسلسل در طبیعت و به تبع آن در باغ تعالی روحانی و آرامش و رشد استعدادهای انسانی را به بار می‌آورد و در اندیشهٔ عرفانی، انسان و طبیعت هر دو در باغ در ترکیبی همگون آیینی یکدیگر هستند. در این تفکر، رشد طبیعی گیاهان، استعاره از رشد ملکات الهی است و ارشاد را برای سنگ نیز محتمل می‌داند. به بیانی دیگر تمام باغ زنده است و در هدایت الهی بسط می‌یابد.

حکمت درخت در باغ

درخت نمونهٔ کاملی از تجمیع وحدت و کثرت، نماد معاد مادی و نشانهٔ معاد حقیقی آخرت است. در همین باره درخت سبز نماد بی‌مرگی و ابدی بودن و درخت برگ‌ریز نشانهٔ تجدید حیات و چرخهٔ مرگ و زندگی دنیوی است. از این دست در حکمت باغ‌سازی اسلامی، طوبی نمونهٔ ازلی است از درخت چنار^{۱۸} و سرو نیز نماد شعلهٔ جاودانی هستی است.^{۱۹}

حکمت نور در باغ

نور در عرفان و متون اسلامی نشانهٔ خدا^{۲۰}، رسول‌الله^{۲۱}، و ائمه و اولیا^{۲۲}، ایمان و سعادت^{۲۳}، و هدایت و بصیرت^{۲۴} است. سایه که نتیجهٔ نبودن نور است نیز هدیه‌ای است که در قرآن با عبارت «نعمتی بهشتی» آمده است. اما باید دانست نور این جهان و سایهٔ آن با مابه‌ازای آن در آخرت متفاوت است، زیرا در بهشت این سایه خود نوری است که از حضور در لوای رضایت خداوند پدید می‌آید، یعنی سایهٔ آن به هیچ وجه دنیوی نیست. بهشت زمینی در ساحت امور فسادپذیر است، ولی حیات در باغ آسمانی در گرو نور فسادناپذیری است که، به دلیل قرب الهی است.^{۲۵} سایه در دنیا نشانهٔ کرنش است و تمام مخلوقات در برابر

۱۲. نور: ۴۵.

۱۳. بقره: ۳۵.

۱۴. سبأ: ۱۵.

۱۵. الذاریات: ۲۰-۲۳.

۱۶. برگ درختان سبز در نظر

هوشیار/ هر ورقش دفتری است

معرفت کردگار (سعدی شیرازی،

گلستان سعدی، ص ۵۴)

17. John Brookset all, *Garden of Paradise, the History and Design of the Grate Islamic Garden*, p. 45.

18. Jr W. L. Hanaway, *The Terrestrial Garden, Colloquium*, p. 46-47.

۱۹. آن ماری کورکیان و...، باغ‌های

خیال: هفت قرن مینیاتور، ص ۶۰

۲۰. نور: ۳۵.

۲۱. مائده: ۱۵.

۲۲. تغابن: ۸.

۲۳. بقره: ۲۵۷.

۲۴. فاطر: ۱۹ و ۲۰.

نورالانوار و عبادت تکوینی، سایه بر زمین می‌افکنند تا فروتنی خود را نشان دهند،^{۲۶} اما درختان بهشتی سایه‌ خاکی ندارند، زیرا این درختان نه در قسمت شرقی باغ هستند که خورشید بر روی آن‌ها افتد و نه در قسمت غربی.

حکمت هندسه در باغ

هندسه باغ اسلامی دو محور عمود بر هم دارد. در اندیشه کهن، عالم وجود به چهاربخش که چهار رود آن‌ها را از هم مجزا می‌کردند تقسیم می‌شد.^{۲۷} قالب هندسی باغ از تسلط تفکر هندسی و تقارن جوی آن حکایت می‌کند. این خردورزی ریاضی از دیرباز در معماری منظر بین‌النهرین و ایران جای خود را باز کرده است. تضاد بین رشد ارگانیک درختان، بوته‌ها، و گل‌ها با هندسه راست‌گوشه باغ، هندسه طبیعت را خاطر نشان می‌کند. این نسبت‌ها به گونه‌ای است که، با نشان دادن تسلط عمدی انسان (خلیفة‌الله) بر طبیعت، هندسه‌ای راست‌گوشه را مطرح می‌کند.^{۲۸} این مطلب نشانه توجه به انسان در طرح‌بندی‌ها و نمادپردازی هندسی آن است. این ترکیب را می‌توان به گونه‌ای دیگر در نقش گیاهان کاشی‌کاری‌ها و زمینه هندسی آنان دید. وضعیت ارگانیک گیاهان و اقلیدسی محورها نشانه هندسه حاکم بر عالم کبیره و انعکاسی از ذات خداوند و عدالت وی در جهان است.^{۲۹}

حکمت مکان‌یابی‌ها در باغ

نقاط شاخص در معماری اسلامی، در نقطه‌ای مرتفع‌تر از دیگر نقاط باغ و به گونه‌ای که در پیرامون خود نقشی محوری داشته باشند، قرار دارند. خانه کعبه در مرتفع‌ترین نقطه بر روی زمین و دقیقاً روبه‌روی مرکز آسمان بنا شده است.^{۳۰} همین مفهوم را نیز در قرآن درباره جنت عدن و قصور آن می‌توان یافت. به این معنا شرافت‌بخشی به بنا در حکمت اسلامی از طریق مرکزیت و مرتفع بودن جایگاه آن که، هم دلالتی جغرافیایی و هم اشاره‌ای

۲۵. فریتوف شوان، *اسلام و حکمت خالده*، ص ۲۷۰.
 ۲۶. همان، ص ۱۳۲-۱۳۳.
 ۲۷. حسن آذرباد و فضل‌الله حشمتی رضوی، *فرش‌نامه ایران*، ص ۳۲.
 28. Michael Laurie, *An Introduction to Landscape Architecture*, p. 27.
 29. Brooks, *ibid*, p. 19.
 ۳۰. شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۲۴۳.
 ۳۱. محمدحسین طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ص ۴۰.
 ۳۲. ابوبکر محمد بن شاه‌اور نجم الدین رازی، *منارات السائرین و مقامات الطائرین*، ص ۴۲.
 ۳۳. ملاصدرا، *صدرالدین محمد شیرازی*، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه*، ص ۹۴.
 ۳۴. شوان، همان، ص ۲۵۸.

معناگرایانه را در پی دارد، ایجاد می‌شود. در باغ اسلامی، کوشک، محور آب، و حوض معمولاً در مرکز محور اصلی باغ قرار دارد و کوشک به دلیل شاخصیت کالبدیش بیشترین مرکزیت بصری را دارد و در میانه باغ استقرار می‌یابد. در حقیقت این انتظام فضایی منشاء خود را از کیهان‌شناسی اسلامی دریافت می‌کند که، فضا و عنصر مهم شاخص در وسط و بقیه عناصر برای تأکید بر آن شکل داده می‌شوند و در بسیاری از باغ‌های اسلامی می‌بینیم کوشک، جوی آب، و حوض را یا در مرکز قرار داده‌اند و یا به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که، گویی بر مرکزیت آن تأکید دارند. درختان نیز در گسترش افقی خود نقشی مشابه با جوی آب دارند و جهت رو به کوشک را قوی‌تر می‌کنند.

تصویر بهشت در قرآن

قرآن کتابی است برای انسان تا با شناخت آن به تمامی از متن، کلمات، و حروف بگذرد و پا در عالم محسوسات بگذارد و با درک عالم مجردات، به معنی خلقت دست یابد.^{۳۱} خداوند می‌فرماید: «من گنجی پنهان بودم و می‌خواستم شناخته شوم، از این رو جهان را آفریدم». ^{۳۲} ملاصدرا این معنی را به گونه‌ای دیگر می‌گوید: «لازم است که انتهای حوادث به حادثی باشد که ماهیت یا حقیقت آن، عین حدوث و تجدد باشد». ^{۳۳} از این رو بهشت انعکاس خدا است، نه حجابی که او را بپوشاند و آشکاری است که پنهان را امتداد می‌دهد و آن را باز می‌تاباند، همان طور که رنگین کمان نور بی‌رنگ را امتداد می‌دهد و باز می‌تاباند». ^{۳۴}

باغ در متن سوره الرحمن

چنان‌که آمد، سوره الرحمن از متشکل‌ترین سوره‌هایی است که، در باب باغ اخروی توصیفات را بیان کرده است. شناخت معنی آیات و تفاسیر آن از مهم‌ترین منابع برای شناسایی چگونگی بهشت است.



در آیه ۵ از سوره الرحمن اولین اشاره به عناصر منظر گردیده است. در باب این آیه آمده است که مراد از «نجم» هر رویدنی است که از زمین سر بر می‌آورد و ساقه ندارد، و کلمه «شجر» به معنای رویدنی‌هایی است که ساقه دارند.

و اما اینکه فرمود: «گیاه و درخت برای خدا سجده می‌کنند»، منظور از این سجده خضوع و انقیاد این دو موجود است، برای امر خدا، که به امر او از زمین سر بر می‌آورند، و به امر او نشو و نما می‌کنند، آن هم در چهارچوبی نشو و نما می‌کنند که، خدا برایشان مقدر کرده^{۳۵} و از این دقیق‌تر اینکه نجم و شجر رگ و ریشه خود را برای جذب مواد عنصری زمین و تغذی با آن در جوف زمین می‌دوانند، و همین خود سجده آن‌ها است، برای اینکه با این عمل خود خدا را سجده می‌کنند، و با سقوط در زمین اظهار حاجت به همان مبدأ می‌کنند که، حاجتشان را برمی‌آورد، و او در حقیقت خدایی است که تربیتشان می‌کند.^{۳۶}

در آیه ۴۶ این سوره خداوند دو بهشت را وعده می‌دهد، در باب چگونگی این دو بهشت تفاسیر مختلفی ایراد شده است. بسیاری از تفاسیر بر دو جنبه بهشت، چه از بعد معنوی و چه بصری و دنیوی، اشاره دارند. این دو بهشت یکی جنة عدن و دیگری جنة النعیم نام گرفته که یکی نشستگاه مؤمن و دیگری جای همسران و خادمان وی است (بهشت بیرونی و اندرونی است). بعضی نیز این دو بهشت را یکی به آدمیان و دیگری را به پریان نسبت می‌دهند.^{۳۷} بعضی دیگر می‌نویسند که منظور از دو بهشت، دو باغ است، یکی درون کوشک اصلی و دیگری بیرون کوشک اصلی قرار دارد و بعضی دیگر گفته‌اند که، معنایش این است که، در آخرت دو بهشت جدای از هم دارد، تا هرگاه از این بهشت خسته شد به آن بهشت دیگر رود، تا لذتش به حد کمال برسد.^{۳۸} تفسیری دیگری نیز این دو بهشت را یکی بهشت جسمانی و یکی بهشت روحانی معرفی می‌کند. این تعبیر در حقیقت از مقایسه آخرت با وضع دنیا ناشی شده است.^{۳۹} جایی دیگر به جنس آن هم اشاره شده است؛ ترسندگان

را چهار بهشت است: دو بهشت زرین و دو بهشت سیمین.^{۴۰} پروفیسور آنه ماری شیمل در ذیل شرح مفهوم چهارباغ، به سوره الرحمن اشاره می‌کند: «امروز هنگامی که در سوره الرحمن از دو نوع باغ، دو آبشار جاری، میوه‌هایی که از هر نوع دوگونه وجود دارد، و الهاماتی این‌چنینی که، از کلمات آغازین سوره اقتباس می‌شود، برمی‌خوریم، قوه تخیل ما به‌ندرت دچار حیرت می‌شود».^{۴۱} این تقسیم‌بندی چهارخانه‌ای اکثراً در حول کوشک یا آرامگاهی ساخته می‌شد که چهار آبراهه به آن منتهی می‌شد و با گذر این جریان آب از زیر آرامگاه چنان می‌نمود که باغی بهشتی بر روی رودخانه‌ای بنا شده‌است. ابن عربی نیز به این بهشت‌های دوگانه اشاره می‌کند، وی می‌گوید: «یکی از باغ‌ها مسکن کودکان خردسالی است که پیش از آنکه به سن تکلیف و بلوغ برسند از دنیا رفته‌اند و دومین باغ نیز مسکن مؤمنینی است که، به‌علت سزای گناهانشان، تا زمانی که عقوبت به اتمام برسد و اجازه دخول به بهشت را دریافت کنند، باید در انتظار بمانند. باغ دوم باغی است بهشتی و حقیقی که برای آنانی است که به خاطر جزای عمل خیر و عبودیت خود به آن رسیده‌اند. این مجموعه شامل هشت باغ است که هر کدام از این باغ‌ها صد درجه دارد که، به تناسب عمل خیری که مرد یا زنی در دنیا انجام می‌دهد به مرتبه‌ای از آن نایل می‌گردد».^{۴۲}

در آیه ۴۸ در خصوص کلمه «افنان» دو احتمال هست، یکی این که جمع فن باشد که، معنای نوع را می‌دهد، و معنای جمله این است که: «آن دو بهشت دارای انواعی از میوه‌ها و سایر لذاتند» و یکی دیگر این که جمع «فنن» یعنی شاخه‌دارتر و پربرگ باشد، در این صورت معنی جمله این می‌شود که آن دو بهشت، برعکس شاخه‌های پیر و جوان و خشکیده دنیا، درختانی نرم دارند. این احتمال نیز هست که منظور درختانی با شاخه‌های مختلف از انواع میوه‌های مختلف باشد.^{۴۳} در آیه ۵۰ کلمه «عینان» دلالت بر عظمت امر آن دو چشمه در آن دو بهشت می‌کند. یکی از این چشمه‌ها «التسنیم» و دیگری

۳۵. شهاب‌الدین الوسی البغدادی، روح

المعانی، ج ۲۷، ص ۱۰۰.

۳۶. سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ص ۱۳۰.

۳۷. نک: ابوالفضل رشیدالدین المیبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار.

۳۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۶۲.

۳۹. طباطبایی، همان، ص ۱۸۴.

۴۰. المیبیدی، همان، ص ۴۳۵.

41. Annemarie

Schimmel, *The Empire of the Great Mughals: History, Art and Culture*, p. 18.

۴۲. محی‌الدین بن عربی، الفتوحات المکیه، ص ۲۱.

۴۳. مکارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۴۴. آبی غیر متغیر که مزه آن نگرده و بوی آن نکند.

۴۵. شهدی که در آن موم و فضلات مگس نباشد.

۴۶. از کلام امام باقر روایت می کنند که: لما دخلت الجنة رايت في الجنة شجرة طوبى و يجرى نهر في اصل تلك شجرة يتفجر منه الانهار نهر من ماء غير آسن و نهر من لبن لم يتغير طعمه و نهر منخمر لذه للشاربين و نهر من غسل مصفى (محمد بن شاهمر تضيفى كاشانى، الصافي فى تفسير القرآن، ص ۴۱۸).
۴۷. مكارم شیرازی، همان، ص ۱۶۴.
۴۸. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ۱۹۹۹، ص ۴۷۱-۴۷۴.
۴۹. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۶۵.
۵۰. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، صص ۱۶۵-۱۶۶.
۵۱. تا در ملكوت من از خوان من بخوريد و بنوشيد و بر كرسى ها نشسته و بر دوازده سبط اسرائيل داورى كنيد (انجيل لوقا، ص ۲۲-۲۹).
۵۲. طباطبایی، همان، ص ۱۸۵.
۵۳. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۷۵.
۵۴. شاید در فارسی بتوان رنگ یشمی را مصداق آن دانست.
۵۵. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.
۵۶. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۷۷.
۵۷. الميبدی، همان، ۴۳۰-۴۳۱.
۵۸. درختی که برای تمثيل كلمه طيبه آمده است (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۵۵۹).
۵۹. رسول الله از انار به سيدالفاكهه ياد کرده است.
۶۰. الميبدی، همان، ص ۴۳۱.
۶۱. مكارم شیرازی، همان، ج ۵، ص ۱۷۹.
۶۲. حسين بن على ابوالفتح رازی،

«السلسيل» نام دارد، یکی از آب غیر آسن^{۴۴} و عسل مصفی^{۴۵} و دیگری از شرابی پاک است و از کوهی از مسک سرچشمه می گیرد.^{۴۶} آب این چشمه ها هیچ گاه قطع یا کم نمی شود.^{۴۷} این دو چشمه نیز برطبق سابق می تواند یکی معنوی (چشمه معرفت) و دیگری مادی (چشمه های شیر، عسل، شراب، و آب) باشد. برخی این چشمه ها را به تجلی صفات و بهشت را به مشاهده ذات تعبیر کرده اند.^{۴۸} در آن دو بهشت از هر میوه ای دو زوج هست، و منظور از دو صنف است. بعضی از مفسرین درباره این دو صنف میوه گفته اند، یک صنف از آن میوه هایی است که آن ها را در دنیا دیده بودند، و صنف دیگری هست که آن را نمی شناسند، چون در دنیا نبوده است. بعضی مفسرین آن را به دو نوع میوه های تابستانی و زمستانی و یا تر و خشک و یا کوچک و بزرگ می دانند.^{۴۹} میوه های بهشتی در تعداد زیاد و بدون هیچ گونه ممنوعیتی هستند. در آیه ۵۴ به امنیت روحی و آرامش خاطر بهشتیان اشاره دارد و به محل نشستن آنان می پردازد. در قرآن از تخت های دیگری چون ارائک (تخت های سایبان دار) و سریر (تخت های بی سایبان) نیز یاد می شود.^{۵۰} در ادیان دیگر و به خصوص در مسیحیت مشابه با این توصیف را می توان دید.^{۵۱} کلمه جنی به معنی میوه رسیده ای که وقت چیدنش شده باشد، و کلمه دان به معنی نزدیکی است و معنای جمله این است که میوه های چیدنی درختان بهشتی نزدیک و در دسترس است.^{۵۲} علاوه بر دو بهشت یاد شده، دو بهشت دیگر نیز هست که، هر چند محتوا و نعمت هایی که در آن ها است شبیه دو بهشت اول است، ولی از نظر درجه فضل و شرف پایین تر از آن دو است. این دو بهشت مخصوص مؤمنینی است که، درجه ایمانشان پایین تر از درجه ایمان اهل اخلاص است، بعضی از مفسرین آیه را به نزدیکی دو بهشت اول معنا کرده اند، و اگر چنین باشد می توان پنداشت این دو بهشت هم از آن صاحبان دو بهشت اول است.^{۵۳} در توضیح آیه ۶۴ باید گفت، کلمه «دهیمام» از واژه «دهمه» به معنی سبز پررنگ است، به طوری که از شدت سبزی رنگش

متمايل به سياهی شده باشد،^{۵۴} در این جمله در وصف دو بهشت مذکور می فرماید: «آن قدر سبز است، سبزی و غرور درختانش به نهایت رسیده، و برگ ها متمايل به سياهی شد».^{۵۵} این رنگ نشانه طراوت و خرمی گیاهان و درختان بهشت است.^{۵۶} در آیه ۶۶ به دو چشمه با فواره هایی با آب به شدت جوشان، اشاره شده است. این آب هیچ گاه قطع و آب روان آن را کد نمی شود. از نظر ابن مسعود این آب می جوشد بر اولیای خدا با مشک و کافور و سعید بن جبیر نیز آن را آبی از الوان الفاکهه (رنگ های میوه جات) می داند و نیز از منظر انس بن مالک این آب چون بارانی از مشک و عنبر بر گرد بهشتیان می ریزد.^{۵۷} مراد درخت میوه در آیه ۶۸، درخت خرما^{۵۸} و درخت انار^{۵۹} است. سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که این درخت خرما جذوعش از زمرد سبز و برگش «ذهب سرخ» و «سعف» آن کسوة بهشتیان است. میوه هایش هسته ندارد و آبی که پای درخت می آید در شکاف های زمین روان است.^{۶۰} انتخاب انار و خرما در این آیه به خاطر تفاوت های زیاد اقلیمی، دارویی، و شکلی آن ها است،^{۶۱} به منظور اینکه به گستردگی این باغ و نیز شرایط خاص آن که، انواع درختان در آن به بار می نشینند و مانند درختان و اقلیم زمین نیست، اشاره شود. از این گذشته، درخت نخل را به انسان تشبیه کرده اند و همچنین در جایی دیگر آن را به ایمان هم مشابهت داده اند.^{۶۲} سایه این درختان قطع نمی شود، زیرا سایه بهشت چون سایه دنیا نیست که وابسته به طلوع و غروب آفتاب باشد.^{۶۳} این سایه اشاره به استراحت دائمی بهشتیان نیز دارد.^{۶۴} در آیه ۷۰ ضمیر «فیهن» به بهشت ها برمی گردد، پس شاید منظور بهشت های فراوان دیگری در بهشت است. ولی بعضی از مفسرین مرجع ضمیر را همین چهار بهشتی دانسته اند که، ذکرش در آیات آمده است و بعضی دیگر ضمیر را به «فاکله» و نخل و رمان «برگردانیده اند. در ادامه به محل سکونت بهشتیان اشاره شده است. خیمه های بهشت از نظر وسعت، گستردگی، و

روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر
القرآن، ص ۲۱۳-۲۱۵.

۶۳ البیضاوی، لباب التأویل فی
معانی التنزیل، بی تا، ص ۴۹۴-۴۹۸.

۶۴ اسماعیل بروسوی، روح البیان
فی تفسیر القرآن، ص ۱۵۴.

۶۵ مکارم شیرازی، همان، ج ۵،
صص ۱۸۳-۱۸۴.

۶۶ مکارم شیرازی، همان، ج ۵،
ص ۱۸۵.

۶۷ طباطبایی، همان، ص ۱۸۹.

۶۸ مکارم شیرازی، همان، ج ۵، ص
۱۸۵.

۶۹ خداوند به او وعده داد که به
جنتی که در آنجا بود، رجعت داده

خواهد شد لیکن تا زمانی که به آن
جنت برگردانیده شود بجائی فرستاده

می‌شود که در آنجا کار کند و وسایل
زندگی خود را فراهم نماید و در آنجا،

تبار او متعدد شوند و رو به افزایش
بروند. (منصوری، ۱۳۹۰، خطبه ۱۰۰).

۷۰ پل نوها، تفسیر قرآنی و زبان
عرفانی، ص ۱۳۴.

۷۱. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا الزَّوْجُ
مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا ضُلَّالًا (النساء:

آیه ۵۷).

۷۲. «در خانه پدر آسمانی ام عمارت
بسیاری هست» (انجیل یوحنا، باب
چهارم، آیه ۲).

۷۳. وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ

وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبه: ۷۲).

۷۴. هشت جنت را از رحمت هشت
در... (مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، ص

۲۲۴)

آن درخت‌های معرفت نشانده که، ریشه‌هایشان استوار در سر
آن‌ها و شاخه‌هایشان برافراشته در حضرت الهی است و آن‌ها هر
زمان از این درختان میوه‌انس می‌چینند.^{۷۰} پس در بینش حضرت
صادق (ع) باغ بهشت نوعی مجموعه شناختی و معرفتی است
که، بروز و تجلیات مادی نیز دارد. این توصیف باغ را به مرحله
دانایی محور و تفکرمدار به این معنا که، باغ نه تنها برای تفرج
است، بلکه برای تفکر، تعمق، و تدبر نیز باید دیده شود.
این باغ سایه‌ای دارد ابدی که نه مانند سایه دنیا از نبود
نور است، بلکه خود سایه در اینجا نور است، نوری تلطیف‌شده
از شعاع نورالانوار که اشاره به ذات باری تعالی دارد.^{۷۱} این اقامت
در راحتی کامل است و میزبان و مهمان از آن راضی هستند، این
آرامش و امنیت (رضامندی) نقشی اساسی در باغ دارد، چنان که
تمامی رنگ‌ها و توصیفات بهشتی بر این رضایت تأکید دارد.
لطفات لباس‌ها و نیز تجملی که هم برای لباس‌ها و هم برای
زینت مردان و زنان ذکر شده است، به کرات در آیات دیگر نیز
اشاره شده است.

خداوند برای بهشتیان خانه‌ها و نیز قصرهایی را فراهم آورده
است.^{۷۲} این خانه‌ها در نهایت پاکیزگی و زیبایی هستند.^{۷۳} بهشت
هشت در دارد^{۷۴} که، فرشتگان از این درها به دیدار و پذیرایی
مؤمنین می‌رسند.^{۷۵} درهای این بهشت به روی مؤمنین باز است
و حصاری در این باغ دیده نمی‌شود.^{۷۶}

آب و آبیاری در باغ بهشتی

در مورد چگونگی آبرسانی و چرخش آب در بهشت نمی‌توان
نظر قاطعی داد. اگر چرخش آب کنار درختان آن را مانند دنیا
بدانیم، که از کنار درخت عبور می‌کند، و آن را برای قصرها و
کاخ و کوشک‌های بهشتی نیز تعمیم دهیم، می‌توان به نتیجه
مشابهی رسید، که آن گردش آب حول کوشک‌ها است. اما اگر
درخت و قصر را به موازات هم نبینیم، جمله گذر آب از زیر
قصر^{۷۷} را می‌توان به این معنا یافت که آب از طریق منافذی از

زیبایی با خیمه‌های دنیا قابل مقایسه نیستند. البته معنی خیمه
به خیمه‌های پارچه‌ای محدود نیست و به خانه‌های چوبی و هر
خانه مدوری نیز اطلاق می‌شود و به خانه‌ای گفته می‌شود که از
سنگ و مانند آن ساخته نشده باشد.^{۶۵}

در کتاب صحاح درباره آیه ۷۶ می‌گوید: «کلمه رفر ف به
معنی برگ‌های گسترده درختان و نیز پارچه سبز و رنگارنگی
است که با آن مجلس‌آذین درست می‌کنند».^{۶۶} بعضی هم
گفته‌اند که مراد از این کلمه بالش یا متکا است. کلمه «خضر»
جمع اخضر (سبز) است که صفت «رفرف» قرار گرفته و کلمه
«عبقری» به گفته بعضی به معنی جامه‌های بافت حیره، و به
گفته بعضی دیگر معنای طنفسه (نوعی جامه) و به گفته جمعی
دیگر به معنی جامه‌های بافته از مخلوط پشم و نخ، و به گفته
جمعی دیگر به معنی دیبا است^{۶۷} و نیز به معنی شهر پریان نیز
آمده است.^{۶۸}

شاخص‌های باغ بهشتی

اکنون به دسته‌بندی شاخص‌ها و ویژگی‌های عناصر باغ بر
اساس آیات در دو حوزه کالبدی و معنایی می‌پردازیم. در این
فهرست‌بندی کلیات و جزئیات باغ تا حد ممکن تشریح می‌شود.

آرامش و امنیت در باغ بهشتی

بهشت نخستین نیز باغی بود مانند باغی که خداوند در معاد به
آن اشاره دارد و جایی بوده که، در آن اندوهی نبود و خدا انسان
را به باغبانی آن گمارده بود.^{۶۹} در قرآن بهشت محل استراحت
و پذیرایی است، چونان پذیرایی از خستگان راه دراز که، به
جایی برسند و این پذیرایی مداوم و بی‌وقفه است. نمی‌توان
بهشت و پذیرایی آن را مانند پذیرایی این دنیا مثال زد. از این
رو رسیدن به معنی محکمی برای چگونگی این پذیرایی دور
از دسترس است. بنا بر فرمایش امام صادق (ع) در وصف این
پذیرایی، خداوند اولیای خود را در باغ انس خود کرده است و در

۷۵. ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ (الحجر: ۴۶).

۷۶. جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتُوحَةٍ لَهُمْ أَلا بُوتَ (ص: آیه ۵۰) می‌توان این مورد را با چگونگی نگه‌داری از باغ در میان اعراب صدر اسلام و بعدها مقایسه کرد.

۷۷. لَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَعِنَبٍ فَتَقْبِزَ الْأَنْهَارَ بِحُلَاهَا تَقْبِزُهَا (النحل: ۳۱).

۷۸. أَوْلَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُخَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مَّتَسَنَدِينَ وَإِسْتَبْرَقًا مَّتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نَضَمٌ مِّنَ الْأَنْبُوشَشِ مَرْتَفَقًا (الکهف: آیه ۳۱).

۷۹. کریستیان نوربرگ شولتز، مفهوم سکونت، ص ۴۴.

۸۰. شوان، ۱۳۸۳: ۲۹۳

ت ۰۱. جدول چگونگی استقرار و نوع عناصر باغ بهشت، مأخذ: نگارندگان.

قصر عبور می‌کند، که آنجا یا در حوض‌هایی می‌چرخد و خارج می‌شود و یا تنها با عبوری ساده از کوشک راه خود را به باقی باغ می‌گشاید. مؤمنین در حالی که با لباس‌هایی به رنگ سبز بر تخت‌هایی تکیه داده‌اند، به تماشای آب و بهشت مشغولند.^{۷۸}

درخت در باغ بهشت

در قرآن به کرات از درختانی با نام‌های چون درخت خرما، زیتون، انگور، انار، انجیر، سدر، گز، درخت مسواک، حنا، و نبات خیار مانند، افاقیا، درخت خردل، ریحان، طوبی، سدره المنتهی، زقوم، و بسیاری از درختان که تنها با نام شجره از آن‌ها یاد شده برمی‌خوریم که، بر اهمیت عناصر سبز در کلام خدا اشاره دارد. درختان عمده‌ای که در باغ بهشتی ذکر شده است، درختانی چون سدره المنتهی، طوبی، انگور، و... است که نشانه اهمیت مثمر بودن درختان باغ بهشت است. این درختان هر کدام جایگاه و مکانی دارند که آن‌ها را نسبت به هم متمایز می‌کند. به طور مثال سدره المنتهی در سرحدات باغ قرار داده شده تا مرزهای باغ را نشان دهد و درخت طوبی چونان چتری سبز و بزرگ سرتاسر باغ را در یک مجموعه به هم گره می‌زند و شاخه‌های آن در تمام قصور، کوشک‌ها، و غرفه‌های ساکنین بهشت کشیده شده است. میوه‌های درختان بهشتی همیشه در دسترس است، تغییر کیفیت نمی‌دهد و در انواع مختلف و حتی گونه‌هایی که در دنیا نیز دیده نشده است بر درختان بهشتی رسته است.

هندسه و مکان‌یابی ابنیه در باغ بهشت

باتوجه به آیات قرآن به تفاوت عمده خصوصیات باغ بهشتی با نمونه‌دنیوی آن، از ابعاد گستردگی، بهره‌ها، نظام‌مندی، و کیفیت فضایی پی می‌بریم. درعین حال می‌توان بهشت را نمونه‌آمال و آرزوهای انسان برای زیستن در جهانی دیگر با تشابه‌هایی با دنیای پیرامون خویش، البته بدون نقص‌های این دنیا، دانست. این نمود در تشابهات بسیار بین طبیعت مطلوب دنیا با باغ

بهشتی دیده می‌شود. هندسه این باغ نیز بر اساس حداکثر نظم و سرشار از نظمی قدسی است. هندسه‌ای محکم، تأویل‌ناپذیر، و والا که نه بتوان آن را به هندسه دیگری فروکاست و نه بتوان آن را در تضاد با سایر اجزای مجموعه دید. هندسه‌ای که در خانه کعبه و اطراف آن دیده می‌شود، مشتمل بر دو هندسه مربع میانه و دایره پیرامونی است که، ترکیبی است دارای تسلسل، تناسب، توازن، و وحدت. دایره‌هایی که، به سمت مرکز از تعداد اجزای تشکیل‌دهنده آن کاسته می‌شود و تا به یک عنصر (کعبه) می‌رسد، هندسه‌ای مطلوب را تشکیل می‌دهد. مرکز می‌تواند هم گره باشد و هم نشانه، اما در بهشت، به علت ایجاد بصیرتی جامع، به تمرکزی مانند این دنیا نیازی نیست. در منظر حسی بهشت، خطوط اصلی، عمودی محسوب نمی‌شود، زیرا نشانه عمودی نماد ارتباط با امر قدسی دور از دید است.^{۷۹} در هر یک از دو جفت باغ بهشتی که در سوره الرحمن آمده است، تفکیک بین باغ عمودی و باغ افقی، تفکیک قابل قبولی است و بهشت دوم چیزی نیست غیر از خدا که، آن گونه که نسبت به مرتبه مقصور خود را افشا می‌کند یا می‌نماید نیست، از این رو باغ عمودی مقام وصال است و دو باغ فرودین بهشت رؤیت سعیده و سعادت ثانویه است.^{۸۰}

معنا	هندسه و مکان‌یابی	نوع عنصر	
درخت	طبیعی	تاکید بر مرکز	معاد و تکامل
کوشک و قصرها	مصنوع	مرکز	امنیت و شکوه
غرفه‌ها	مصنوع	سراسر باغ	آرامش
جوی آب و حوض	مصنوع	مرکز و یا تأکید بر مرکز	تمرکز و تذکر
گیاهان و گل‌ها	طبیعی	تأکید بر مرکز	عبادت
درخت سدره‌المنتهی	طبیعی	مرز باغ	صیانت
درخت طوبی	طبیعی	سراسر باغ	رحمت
چشمه	طبیعی	تأکید بر مرکز	تمرکز و تذکر
تخت‌ها	مصنوع	سراسر باغ	آرامش
دروازه	مصنوع	مرز باغ	امنیت

نقش و چگونگی عناصر را در جدول «ت ۱» مشاهده می‌کنید. براساس این جدول عناصر باغ بهشت فارغ از حدود دنیوی که برای آن تصور می‌شود اشارات معنوی پرباری نیز دارد. کلیات این معانی را در آیات سورة الرحمن برشمرده‌ایم که همه برای یادآوری سیر تکاملی و شناختی انسان از معبود و رشد روحانی ناظران است.

بنا بر این توصیه می‌شود معماران مسلمان موارد مذکور را در هنگام طراحی باغ اسلامی در نظر داشته باشند.

منابع و مأخذ

آذرباد، حسن و فضل‌الله حشمتی رضوی. *فرش‌نامه ایران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.*

ابن عربی، محی‌الدین. *الفتوحات‌المکیه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.*
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. *تفسیر القرآن العظیم، سامی بن محمد سلامه، دار طیبه لانتشر والتوزیع، ۱۹۹۹ م*

ابوالفتوح رازی. *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن، به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد: بی‌تا، ۱۳۶۵.*

انجیل لوقا، ترجمه فارسی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.

انجیل یوحنا، عهد جدید. ترجمه فارسی. تهران: انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۳۸۷.

الوسی البغدادی، شهاب‌الدین. *روح المعانی، تصحیح علی عبدالباری عطیه، ج ۲۷، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق / ۱۳۸۴.*

بروسوی، اسماعیل. *روح البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.*
البقلبالشیرازی، ابومحمد بن ابی نصر. *عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه للنشر والتوزیع، ۲۰۰۸.*

البیضاوی، ابوالحسن علی بن محمد. *لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: موقع التفاسیر، بی‌تا.*

سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. *گلستان سعدی، بر اساس نسخه محمد علی فروغی، نشر سرایش، تهران، ۱۳۸۲.*

شوان، فریتوف. *اسلام و حکمت خالد، ترجمه فروزان راسخی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.*

صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی. *من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات*

باتوجه به تفاسیری که در این باب آمده می‌توان به چهارچوبی کلی برای باغ بهشتی رسید که فارغ از تفاسیری که به کالبد این بهشت توجه ندارند، شکل بهشت باغی است بی‌حصار و بی‌انتهای که ساکنین آن در آرامشی ابدی، از سایه دائمی بهره‌مندند و تمام آن موهبتی که در دنیا از آن دور بوده‌اند را یکجا در دست دارند. این آرامش در قالب باغی گردآوری شده است که، متضاد با آن را در جهنم نیز با نشانه‌های باغی که درخت زقوم در آن می‌روید می‌توان دید.

نتیجه

پیشینه عناصری چون درخت و آب در تمدن‌های باستانی نشانگر پیوندی است که انسان میان طبیعت و ماوراءالطبیعه می‌جوید. اسلام بر این پیوند نه تنها در جهان مادی، بلکه در آخرت نیز تأکید و توجه کرده و با بسط معنایی این پیوند دریچه‌ای نوین بر نگرش به طبیعت می‌گشاید.

در این میان سورة الرحمن متنی است که توصیفات دقیق و محکمی درباره چگونگی این باغ دارد و بر صورت و معنای بهشت اشاره می‌کند.

با توجه به مطالب گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت: همان‌گونه که در متون اسلامی، مانند قرآن و تفاسیر آن، درمی‌یابیم، طرح‌بندی، انتظام فضایی، نوع عناصر منظر، و چگونگی ارتباط آن‌ها با هم در چهارچوبی معنایی و کالبدی هم‌زمان تصویر گشته است. این مجموعه معماری منظر دارای خصایصی مانند آرامش‌بخشی، بهره‌گیری از هندسه‌ای خلل‌ناپذیر، تناسب عناصر زیستی و انتظام آن در مجموعه‌ای معنایی به نام باغ است.

به این معنا که تمام عناصر دارای معنا و صورتی هستند که این دو در تناظر باهم باغ را به محیطی سرشار از علم الهی و حکمت ازلی تبدیل می‌کند، که می‌تواند وسیله سعادت بشری و شناخت عظمت الهی را فراهم آورد.

يعقوبی، احمد بن اسحاق. تاريخ يعقوبی، بيروت: دارالصادر، ۱۹۶۰.

Brookes و John. *Gardens of Paradise: The History and Design of the Great Islamic Gardens*, London: New Amsterdam, 1987.

Hanaway, Jr W. L. *The Terrestrial Garden, Colloquium*, Washington D.C: Dumbarton Oaks, 1976.

Laurie, Michael. *An Introduction to Landscape Architecture, USA: University of Minnesota*, Elsevier Publishing Company, 1986.

Schimmel, Annemarie & Burzine K. Waghmar. *The Empire of the Great Mughals: History, Art and Culture*, Burzine K. Waghmar, Reaktion Books, 1994.

جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.

طباطبایی، سید محمد حسین. اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و باورقی مرتضی مطهری، قم: صدرا، ۱۳۷۱.

_____ . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۲.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، سید محمد حسن حسینی امینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸

قرآن، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن، ۱۳۶۷.

کاپلستون، فردریک. تاریخ فلسفه یونان و روم، ترجمه سید جلال الدین مجتوبی، ج ۱، تهران: سروش، ۱۳۶۸.

کوپر، جی. سی. فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد، ۱۳۷۹.

کور کیان، آن ماری و ژان پیر سیکر. باغهای خیال: هفت قرن مینیاتور ایران، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷.

مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، ج ۶۶، تهران: کتابچی، ۱۳۸۶.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۵، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.

ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی. الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱.

منصوری، ذبیح الله، ترجمه نهج البلاغه، تهران: بورنگ، ۱۳۹۰.

مولوی، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، تهران، روزنه، ۱۳۸۲.

المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین. کشف الاسرار و عدة الابرار، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ج ۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.

نجم الدین رازی، ابوبکر محمد بن شاهاور. منارات السائرين و مقامات الطائرين، مصر: الهيئة المصریه العامه للكتاب، ۱۹۹۹.

نصر، سید حسین. نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹.

نوربرگ شولتز، کریستیان. مفهوم سکونت، ترجمه محمود امیربار احمدی، تهران: آگه، ۱۳۸۱.

نویا، پل. تفسیر قرآنی و زیان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳.

هال، جیمز. فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰.